

بازخوانی هویت دولت اسلامی در عراق و شام (داعش): فهم زمینه‌های فکری و سیاسی – اجتماعی

تاریخ دریافت: ۹۴/۲/۱۷

تاریخ تأیید: ۹۴/۵/۱۳

علی اشرف نظری*

عبدالعظیم السمیری**

پیکارجویان سلفی- تکفیری دولت اسلامی عراق و شام (داعش) که پس از ۲۹ ژوئن ۲۰۱۴ میلادی به «خلافت اسلامی» تغییر نام دادند، گروهی از تروریست‌های بین‌المللی‌اند که با زمینه‌های متفاوت جغرافیایی از کشورهای مختلف عربی، آسیایی، اروپایی و افریقایی گرد هم آمده‌اند. هدف اساسی داعش، احیای حکومت اسلامی و تسلط بر همه مناطق حیاتی و حکم بر مبنای دین با همه اصول و مؤسسات لازم می‌باشد. اندیشه برتر داعش، تفکر «جهاد تنها راه حل» و به‌دست‌گرفتن سلاح برای مواجهه با نظام‌ها (لیبرال، لائیک، بعث و هر آنچه غیراسلامی است) است. هدف ابتدایی رزمندگان داعش احیای حکم اسلام و تسلط بر همه مناطق حیاتی و اجرای احکام اسلام با همه قواعد و

* دانشیار علوم سیاسی دانشگاه تهران.

** دانشجوی دکتری سیاستگذاری عمومی دانشگاه تهران.

سیستم‌های آن می‌باشد. داعش بر همین مبنا، قرائتی خاص و سنتی-ایدئولوژیک از دین اسلام است و می‌کوشد به راهبردهایی تروریستی تکیه کند و با استناد به اصول عقایدی و تاریخی، اعمال خشونت بار خود را توجیه کند. مسئله داعش متأثر از تحولات داخلی عراق و سوریه و شکنندگی ساختارهای نظامی و سیاسی در این دو کشور، ناکارآمدی نیروهای نظامی در برخورد با حرکت‌های چریکی و جنگ‌های نامنظم، هراس عمومی و آشفتگی عمیق مدنی و مهم‌تر از همه دستیابی داعش به منابع مالی جدید و اعمال کنترل بر مناطق و مراکز حیاتی موجب شده است معمای تروریسم به یک شوک بزرگ و حتی به صورت محتمل به یک فاجعه بین‌المللی مبدل شود.

پرسش اساسی نوشتار حاضر این است که زمینه‌های فکری و عملی شکل‌گیری داعش در تفکر اسلامی کدام‌اند و اختلافات و تمایزات تفکر اصیل اسلامی و تفکر داعش چیست؟ فرضیه اصلی نیز چنین است: ساختار فکری و عملی داعش، مبتنی بر قرائتی تجهیزیتی و ایدئولوژیک از اسلام است که دارای ریشه‌های تاریخی و عقیدتی، منابع مادی-انسانی و آگاهی گسترده از عوامل جغرافیایی-سیاسی است و به دنبال بهره‌گیری از راهبرد دولت‌سازی می‌باشد. در این پژوهش، ریشه‌های شکل‌گیری داعش، بنیان‌های فکری-اسلامی داعش، ساختار سازمانی داعش و مؤسسات آن، موقعیت آن در نقشه سیاسی اهل سنت، نحوه سازماندهی و رابطه آن با القاعده بررسی می‌شود.

کلیدواژگان: دولت اسلامی عراق و شام، اسلام، خشونت، تروریسم، جهاد.

مقدمه

تحولات بروزیافته در چند سال اخیر و ظهور گروه‌های تروریستی در عراق و سوریه مسئله غامضی است که موجی از نگرانی و هراس در میان مردمان این دو کشور ایجاد کرده است. پیکارجویان سلفی-تکفیری دولت اسلامی عراق و شام (داعش) که پس از



۲۹ ژوئن ۲۰۱۴ میلادی به «خلافت اسلامی»^۱ تغییر نام دادند، گروهی از تروریست‌های بین‌المللی‌اند که با زمینه‌های متفاوت جغرافیایی از کشورهای مختلف عربی، آسیایی، اروپایی و آفریقایی گرد هم آمده‌اند. در واقع گستره جغرافیای وسیعی از اردن و یمن گرفته تا تونس و لیبی و از بلژیک در اروپا تا اندونزی در شرق آسیا تحت تأثیر تبلیغ و نفوذ فکری آنها قرار گرفته است. بر اساس برآوردهای جاری، حداقل بیست هزار تا سی هزار جنگجوی خارجی از ۸۷ کشور به سوریه و عراق رفته‌اند. در این میان، بیشترین نیرو از تکفیری‌های چچن و سپس عربستان است (بحران سوریه، ۱۳۹۴/۱/۱۲). در ضمن با فرض اینکه تعداد زیادی از رزمندگان خارجی به عراق و سوریه وارد شده‌اند، چنین پدیده‌ای نیازمند تلاش گسترده اطلاعاتی برای آسان‌سازی چنین فرایندی است و اگرچه اثبات این امر قدری مشکل است، به دلیل تکرار این وضعیت و ورود صدها جنگجوی خارجی از نظر منطقی قابل اثبات است (ر.ک: حمدانی، ۲۰۱۵).

همچنین مسئله داعش متأثر از تحولات داخلی عراق و شکنندگی ساختارهای نظامی و سیاسی در این کشور، مشکلات ناشی از انتقال قدرت به دولت جدید حیدر العبادی، سوءکارکرد دولت نوری المالکی در مناطق سنی‌نشین و بروز بحران نفوذ و اقتدار، فقدان نگرش راهبردی و بروز حرکت‌های جدایی‌طلب در کردستان عراق، ناکارآمدی نیروهای نظامی در برخورد با حرکت‌های چریکی و جنگ‌های نامنظم، هراس عمومی و آشفتگی عمیق مدنی و مهم‌تر از همه دستیابی داعش به منابع مالی جدید و اعمال کنترل بر مناطق و مراکز حیاتی موجب شده است معمای تروریسم به یک شوک بزرگ و حتی به صورت محتمل به یک فاجعه بین‌المللی مبدل شود.

امکان بروز خشونت و گسترش آن، صلح و امنیت عمومی را به خطر می‌اندازد و این ضرورت احساس می‌شود که با فهم ریشه‌ها و علل منازعات خشونت‌بار گام نخست را

۱. در برخی رسانه‌ها از دولت خلافت اسلامی نیز یاد می‌شود که با توجه به تمایز مفهوم دولت و خلافت و ایده‌ای که داعش برای احیای خلافت عباسی و فروریزی مرزهای ملی دولت‌های موجود دارد، ترکیبی غیر منطقی است. در ادبیات انگلیسی زبان این گروه اخیراً با عنوان Islamic State (IS) و دولت اسلامی عراق و شام (Islamic State of Iraq and Syria: ISIS) معرفی می‌شود.



برای مواجهه فعالانه و مؤثر با آن و جستجوی سازوکارهای حل منازعات و ایجاد آرامش برداشت (Earl, 2004, p.1). پیامدهای اعمال خشونت نظیر مرگ، ضرب و جرح، ترس و نفرت نهادینه شده، آواره شدن مردم و تخریب اموال آن قدر گسترده است که نمی توان از آن غافل شد. اصطلاح تروریسم می تواند به معنای اقدامات خشونت بار سیاسی از پیش برنامه ریزی شده، علیه اهداف غیرنظامی توسط گروه های خرده ملی یا عوامل مخفی که معمولاً برای اثربخشی بر مخاطبان انجام می شود، تعریف شود (Halliday, 2002, p.25). مؤسسه یادبود ملی پیشگیری از تروریسم^۱ از این تعریف بهره می گیرد: «خشونت عمدی و با انگیزه سیاسی بر علیه اهدافی خاص از سوی گروه های فروملی یا عوامل زیرزمینی که معمولاً با هدف تأثیرگذاری از طریق رعب و وحشت صورت می گیرد» (Katona, 2006, p.13). عناصر محوری را در تعریف تروریسم می توان چنین برشمرد (ibid, p.14): خشونت یا زور (در ۸۴ درصد تعاریف این مؤلفه وجود دارد)، اهداف سیاسی (۶۵ درصد تعاریف)، ترس یا تأکید بر وحشت (در ۵۱ درصد تعاریف)، تهدید (در ۴۷ درصد تعاریف)، احساسات روان شناسی و واکنش های قابل پیش بینی (در ۴۲ درصد تعاریف)، تفاوت بین قربانیان و اهداف (در ۳۸ درصد تعاریف)، اقدامات عمدی و برنامه ریزی شده و نظام مند و سازمان یافته (در ۳۲ درصد تعاریف)، بهره گیری از روش ها، استراتژی های و تاکتیک های پیکار (در ۳۱ درصد تعاریف).

تحلیل و فهم زمینه های شکل گیری دولت اسلامی در عراق و شام که به اختصار «داعش» نامیده می شود، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. به رغم اهمیت موضوع دولت اسلامی و ابعاد و پیامدهای آن در جهان به خصوص در خاورمیانه، مطالعات علمی پژوهشی زیادی در این زمینه انجام نشده است تا ابعاد گسترش داعش و در پی آن دولت اسلامی و عوامل موجد ظهور آن را بررسی کند؛ همچنین روش ها، ابزارها و دیدگاه کنونی دولت اسلامی در اداره مناطقی که بر آن تسلط دارد و آینده این دولت در سایه اهداف اعلانی به خوبی واکاوی نشده است.

در پژوهش های موجود، جنگ بین داعش و دو حکومت عراق و سوریه و بعضی دیگر

1. The National Memorial Institute for the Prevention of Terrorism.

از طرف‌ها را به تفصیل بیان می‌کنند و در آن از این گروه نتیجه اقدامات دولت‌های غربی یا بعضی از دولت‌های عرب خلیج فارس و به پدیده‌ای وارداتی یاد می‌شود. اغلب این پژوهش‌ها، نیازمند درک و ارائه قرائتی درست و میدانی از واقعیات داعش هستند؛ چراکه این پدیده محصول تاریخ سیاسی و اجتماعی خاصی است و مبانی فکری و اهداف عقیدتی ویژه‌ای دارد؛ همچنین برنامه‌هایی که آنها اجرایی می‌کنند، به دلیل شناخت و آگاهی گسترده از عوامل محیطی و فرهنگی شایسته تأمل است.

سیاست بهره‌گیری از رسانه‌های جدید و شبکه‌های اجتماعی نظیر فیس بوک و توئیتر و راه‌اندازی «شبکه دابق» و مجله‌ای با همین عنوان، تکیه بر اصل غافلگیری و انجام حملات برق‌آسا، انجام اقدامات خشن و رعب‌آور، قایل بودن به نوعی رسالت به ظاهر الهی و تکلیف برگشت‌ناپذیر مذهبی، چندرگه بودن هویت اعضا و ایجاد ظرفیت‌های جذب بین‌المللی در گروه و فراملی بودن ایده‌ها و اندیشه‌های آنها (تلاش برای ایجاد خلافتی بزرگ که در نهایت غرب را هم به قلمرو خود خواهد افزود) موجب شده است که سیر رشد آنها در مقایسه با دیگر گروه‌های مختلف افراطی به صورت تصاعدی باشد.

باید گفت مراکز علمی در سال ۲۰۱۴ و اوایل سال ۲۰۱۵ کتاب‌های مهمی درباره داعش منتشر کرده‌اند؛ ولی این آثار به مقدار کافی به آگاهی‌بخشی درباره مشکل داعش و پژوهش‌های در چارچوب آکادمیک و علمی کمک نکرده است. با این حال امید است گام‌های دقیق‌تر و متمرکزتری در آینده و در پی این مرحله برداشته شود. برخی از آثار مهم انتشار یافته عبارت‌اند از: خلافت داعش (۲۰۱۵م) اثر هیثم مناع؛ دولت اسلامی: ریشه‌ها، توحش، آینده (۲۰۱۵م) اثر نویسنده و روزنامه‌نگار عرب، عبدالباری عطوان؛ داعش و آینده جهان (۲۰۱۵م)، اثر عبدالرحمن البکری؛ داعش: برگشتن مجاهد (۲۰۱۵م) اثر خبرنگار انگلیسی، باتریک کوکبیرن؛ داعش و اخواتها (خواهرانش) (۲۰۱۵م) اثر محمد علوش؛ جهان داعش (۲۰۱۴م) اثر کارشناس امنیتی؛ هشام الهاشمی.

برخی از کتاب‌های مورد اشاره، دارای سرشت روزنامه‌نگارانه‌اند؛ از این رو، تقریباً سطحی به این پدیده نگریسته‌اند؛ ضمن آنکه بعضی نویسندگان از واقعیت بحران درک عمیقی ندارند و به دلیل دیدگاه‌های ایدئولوژیک خود، در بسیاری از مواقع دید علمی و روشنی ندارند. کتاب جهان داعش دربردارنده رخدادهای و اطلاعات است و همچون کتاب‌های دیگر عاری از راهبرد در امر پژوهش است؛ ولی این کتاب نسبت به کتاب‌های دیگر به واقعیت کنونی عراق نزدیک‌تر و در انتقال و دقت اطلاعات تمرکز بیشتری دارد.

اما این پژوهش درصدد پاسخ به سؤال‌های اساسی و فرعی است: زمینه‌های فکری و عملی شکل‌گیری داعش در تفکر اسلامی کدام‌اند و آیا الگوها و چارچوب‌های فکری عقیدتی این گروه توانایی برپایی یک دولت و استمرار آن را دارد، پرسش اساسی نوشتار حاضرند. اختلافات و تمایزات تفکر اصیل اسلامی و تفکر داعش کدام‌اند، چه شباهت و تفاوت‌هایی بین الگوی فکری داعش و القاعده وجود دارد، آیا ساختارهای ایجادشده توسط داعش نظیر وزارت بنیادهای شرعی، روابط عمومی، اداره پست ولایات یا مجلس شورای نظامیان می‌تواند سازوکارهای ایجابی برای دولت‌سازی محسوب شوند، زمینه‌های بین‌المللی ایجاد و استمرار فعالیت‌های داعش کدام‌اند، داعش چگونه قادر به جذب افرادی از ملیت‌های مختلف گوناگون می‌باشد و در این زمینه از چه ابزارهایی بهره می‌گیرد، سؤال‌های فرعی این پژوهش‌اند.



فرضیه اصلی مقاله حاضر چنین است: ساختار فکری و عملی داعش مبتنی بر قرائتی تجهیززی و ایدئولوژیک از اسلام است که دارای ریشه‌های تاریخی و عقیدتی و پشتوانه فکری رادیکال در تاریخ اسلام، منابع مادی- انسانی و آگاهی گسترده از عوامل جغرافیایی- سیاسی است و برای استمرار بنیان‌های فکری خود به دنبال بهره‌گیری از راهبرد دولت‌سازی می‌باشد.

۱. زمینه‌های فکری و اجتماعی- سیاسی ظهور داعش

با گسترش این گروه و اعلام تشکیل دولت خلافت اسلامی، تصوراتی درباره دلایل ظهور این گروه شکل گرفت. برخی از تحلیل‌گران پیدایش آن را امری ناگهانی دانسته که حوادث غیرقابل پیش‌بینی به پیدایش آن کمک کرد. گروهی این فرضیه را مطرح می‌کنند که اهل سنت در دوران نوری‌المالکی در معرض زنجیره‌ای از ظلم و به‌حاشیه‌راندن واقع شدند و ظهور این گروه نتیجه چنین اتفاقاتی است. بنابراین داعش و گسترش آن در عراق را نمی‌توان جز با توجه به مسائل مناطق سنی‌نشین فهمید. آنها توانستند اهل سنت عراق را به دو گروه دوستان و معارضان داعش تقسیم کند. دلایل گسترش نفوذ داعش در مناطق سنی‌نشین عراق را می‌توان در دو علت جستجو کرد:

اول: اهل سنت عراق در برخی اصول اعتقادی- دینی و فقهی با داعش اتفاق نظر دارند؛ هرچند که در مسائلی چون تکفیر، احکام جهاد و برخورد ذهنی و عینی با شیعیان اختلاف نظر دارند.

دوم: اهل سنت عراق معتقدند در سیاست و حکومت عراق به حاشیه رانده شده‌اند و

داعش مخلص و حامی اهل سنت عراق است. طرفداران داعش می‌دانند آرزوی خلافت اسلامی تنها با گسترش و گرفتن بیعت محقق نمی‌شود، بلکه باید با پذیرش و یاری ساختار اهل سنت همراه باشد. پذیرش چنین ساختاری از سوی اهل تسنن امری دشوار است؛ چراکه بسیاری از اهل سنت عراق گزینه زندگی در سایه احکام دولت اسلامی را نمی‌پذیرند، از طرف دیگر اهل سنت عراق در زمینه دینی، سیاسی و عشایری مراجع متفاوتی دارند و فاقد رهبری واحدی می‌باشند.

گروهی دیگر حلقه‌ای از تحولات گروه‌های اسلامی و اختلافات بین آنها را مطرح می‌کنند و نتیجه کنونی آن را تحول و انشعاب در القاعده و فراهم‌شدن بستر برای شکل‌گیری جنبش‌های افراطی‌تر - رادیکالی‌تر می‌دانند. درنهایت برخی دیگر تأکید می‌کنند که پیدایش داعش نقشه‌ای غربی برای بیان تصویری تحریفی از اسلام است و این گروه ساخته اجنبی‌ها برای تحقق اهداف معین‌اند که مصالح آن‌ها را برآورده می‌نمایند. با وجود تعدد و اختلاف این دیدگاه‌ها، این فرضیه که شکل‌گیری داعش متکی به قرآتی خاص از اسلام است که برخی اقداماتشان را توجیه کند، بیشتر مقرون به واقعیت است.

الف) تفاسیر و ادراکات داعش از اسلام

بعضی از محققان معتقدند بنیان فکری داعش ناشی از پشتوانه فکری رادیکالی در تاریخ اسلام است که ریشه‌های آن به خوارج، اولین بنیانگذاران اندیشه رادیکالی در تاریخ اسلام در قرن اول هجری، باز می‌گردد (نافع، ۲۰۱۴، ص ۹۱) در نتیجه داعش و پیروانش به‌طور طبیعی به میراث این گروه تعلق دارند؛ چراکه اندیشه خوارج از دیدگاه سیاسی مخالفت با اصل حکمیت نشئت می‌گیرد که مبنایش حل اختلاف علی بن ابی طالب علیه السلام و معاویه بن ابوسفیان بود؛ به‌گونه‌ای که خوارج بعد از واقعه حکمیت، خلیفه خود علی بن ابی طالب علیه السلام را تکفیر کردند و حکومت معاویه را نیز به رسمیت نشناختند و وجوب انقلاب ضد ائمه فسق و جور را پایه نهادند. البته منظورشان ائمه‌ای بود که نتایج حکمیت را چه با قبول و چه گردن نهادن توجیه یا قبول کردند.

بعد فقهی این نوع اندیشه تکفیری را می‌توان در اندیشه فقهی احمد بن حنبل (۷۸۰-۸۸۵م) (یکی از چهار ائمه اهل سنت) یافت (البکری، ۲۰۱۵، ص ۳۷)؛ چراکه مذهب حنبلی با تکیه بر نص قرآن و دوری از اجتهاد و تأویل از رادیکال‌ترین مذاهب اهل سنت است و همین امر اولین پایه‌های تأسیس اندیشه تکفیری را بنیان نهاد. در قرن هشتم میلادی

ابن حنبل به دلیل رد افکار معتزله که قایل به «مخلوق بودن قرآن بودند»، متحمل شکنجه و زندان شد. این اندیشه را خلفای این دوره از تاریخ اسلام بنا نهادند و همین امر محققان را وا داشت که رنجی را که ابن حنبل متحمل شد، انگیزه‌ای برای تبلور و برتری رویکرد افراطی در درون مذهب حنبلی و از پی آن اهل سنت در تاریخ اسلام بدانند. به همین دلیل بسیاری وی را مؤسس تاریخی رویکرد سلفی می‌دانند که امروزه مرجع جنبش‌های سلفی و جهادی است و از آن جمله می‌توان به جنبشی اشاره کرد که در تشکیل دولت سعودی نقش مهمی ایفا کرد.

سپس اندیشه افراط‌گرایی با فتوای احمد بن تیمیه (۶۶۱-۷۲۸م) شدت بیشتری گرفت. فتوای وی مرجعی برای توجیه تشدد و افراط و غلو است. با گذشت حدود هفت قرن از صدور این فتواها هنوز بین فقهای مسلمان جدل آفرین‌اند؛ چراکه گروه گسترده‌ای از علما چنین فتوایی را منتشرکننده تفکر افراط‌گرا دانسته‌اند و نتیجه آن را چیزی می‌دانند که امروزه به نام تروریسم مشهور است. در تمام مناطق تحت تصرف داعش در سوریه و عراق، عبارتی از ابن تیمیه خودنمایی می‌کند: «قوام الدین بکتاب یهدی و بسیف ینصر»: پایداری دین به قرآن هدایتگر و به شمشیری است که آن دین را یاری می‌رساند (ابراهیم‌نژاد، ۱۳۹۳، ص ۱۳). ابن تیمیه تأثیر بزرگی بر حرکت‌های اسلامی و جریان‌های سلفی جهادی گذاشته است که القاعده و داعش از نتایج این نوع تفکر افراطی است که عمل به نص قرآن و روایات را بر عقل برتری می‌دهند (البکری، ۲۰۱۵، ص ۳۷).

تفکر ابن تیمیه شش قرن بعد از وفاتش در عقیده وهابی‌گری بازتولید شده است و حتی طرفداران وهابیت، ابن تیمیه را پدر معنوی خود می‌دانند. وهابیت بر این اساس شکل گرفت که مسلمانان بعد از وفات ابن تیمیه به مدت شش قرن در گمراهی زیستند تا اینکه محمد بن عبدالوهاب ظهور کرد؛ کسی که به اعتقاد پیروانش دعوت به اسلام را احیا و مردم را به عقیده درست رهنمون شد. این عقیده برای رسیدن به هدفش تفکر جهاد را روش برپایی دولت اسلام یا خلافت می‌دانند. در آن زمان شبه‌جزیره عربستان جامعه‌ای بادیه‌نشین بود که محمد بن عبدالوهاب اعتقاد داشت این جوامع از آموزه‌های اصیل و توحیدی اسلام دور شده و به پرستش مقبره، درختان و دیگر نمادهای دنیوی روی آورده‌اند و منحرف شده‌اند. او به این نتیجه رسید که برای اجتناب از بدعت، نیازمند همکاری دین و سیاست است؛ چراکه بدون قدرت اجبار دولت، دین در خطر است و بدون نظم و انضباط (قوانین شرعی)، سازمان دولتی گرایش استبدادی پیدا خواهد کرد (Diemen, 2015, p.1-2).



به همین دلیل می‌توان گفت بازخوانی تاریخ مراحل گسترش وهابیت در اوایل قرن نوزدهم بسیاری از وجوه تشابه این روش افراطی که پیروانش از آن تبعیت می‌کنند با خشونت‌ی که سازمان داعش برای اجرای افکار و گسترش نفوذش استفاده می‌کند، روشن می‌سازد. تخریب مساجد، زیارتگاه‌ها و قبرهای شخصیت‌های مذهبی در عراق و سوریه و به علاوه ایجاد دادگاه‌های شریعت که اعدام‌های دسته‌جمعی را اجرا می‌کند، تقریباً شبیه آن چیزی است که آل سعود به پشتوانه وهابیت در سال‌های ۱۹۰۴ تا ۱۹۲۵ انجام داد. در آن دوره آل سعود اقدام به تخریب مقبره اهل بیت و صحابه کرد و مساجد و خانه‌ی اولیا و اماکن مقدسه را ویران نمود و حدود هفت هزار نفر از مخالفان را به تهمت ارتداد اعدام کرد. انحصار قدرت اجتماعی در دست سران حکومت و عالمان وهابی در قالب مؤسساتی چون دارالافتاء، مجمع علما و کمیته ترویج ارزش‌ها و پیشگیری مفسد نمایان می‌شود و مدارس و دانشگاه‌ها نیز تحت کنترل شدید عالمان وهابی می‌باشد.

درواقع عربستان سعودی واجد رژیم اقتدارگراست که توانسته است با تکیه بر سیاست «السیف أو المنسف» سلطه خود را استمرار بخشد. چنین اقداماتی منجر به برپایی پادشاهی سعودی و برقراری اندیشه افراطی وهابی به عنوان مذهب رسمی دولت شد. سازمان داعش نیز امروزه در پی رسیدن به این امر است (الریحانی، ۱۹۲۳، ص ۲۹). ائتلاف محمدبن عبدالوهاب و محمدبن سعود که در آن زمان امیر منطقه الدرعیه بود، منجر به پیمانی شد که بین شمشیر و حمایت از عقیده وهابی ائتلاف ایجاد کرد؛ هرچند این ارتباط در برخی مقاطع به سمت ضعف و سستی رفته است و جریان‌های فکری در درون تفکر وهابی به مقابله با نظام سعودی دست می‌زنند و دعوت به جنگ با آن می‌کنند. مهم‌ترین این جریانات القاعده است که مؤسس آن اسامه بن لادن است و هدفش بازگشت به اندیشه جهادی در سرزمین اسلام است (همان، ص ۲۹).

این نوع تفکر جهادی به عنوان عکس‌العمل به سرکوب جنبش‌های اسلامی در دولت‌های مصر و سوریه در نیمه دوم قرن بیستم، اندیشه بازگشت مجدد به سرزمین اسلام را توجیه می‌کند. این اندیشه زمانی که به عراق منتقل شد، به واسطه پشتیبانی سازمان‌های اطلاعاتی برخی کشورهای عربی بر ضد دخالت آمریکا در عراق جنگید؛ اما پیش از این، چنین تفکری از طرف سازمان‌های عربی همسو با آمریکا در جنگ بر ضد شوروی در افغانستان تشویق شده بود.

در فاصله زمانی بین جنگ افغانستان با شوروی در سال ۱۹۷۹ و اشغال عراق در سال

۲۰۰۳، این اندیشه در بین جوانان مذهبی منتشر شد که استفاده از خشونت تنها راه دستیابی به اهداف است. بیشتر این جوانان رزمندگان القاعده را تشکیل دادند و امروز نیز تشکیل‌دهنده ارتش داعش در سوریه و عراق می‌باشند و رؤیای تشکیل خلافت در سرزمین‌های عربی و برپایی حکومت اسلامی را با روش‌های افراطی و زور و سلاح در سر دارند.

ب) موقعیت داعش در نقشه دینی اهل سنت عراق

اگر بخواهیم ریشه داعش را به عنوان دعوت‌کننده به تشکیل دولت خلافت بررسی کنیم، در می‌یابیم این سازمان در امتداد دولت اسلامی در عراق است که حامد داود الزاوی معروف به «ابوعمر الهاشمی الحسینی البغدادی» آن را در ۱۵ اکتبر ۲۰۰۶ تأسیس کرد. ابوعمر البغدادی، رئیس شورای مجاهدین، در نخستین بیانیه رسمی خود دلیل تشکیل دولت اسلامی عراق را چنین توصیف می‌کند: «با اشغال عراق به دست نیروهای آمریکایی، اختلافات قومی و مذهبی در عراق زیاد شد و کردها، در شمال عراق و شیعیان در مرکز عراق قدرتمند شدند. هر کدام از آنها هم، حامیانی از کشورهای خارجی و نیز ارتشی مستقل دارند؛ اما اهل سنت مظلوم واقع شدند. هدف از تشکیل این دولت، احقاق حق اهل سنت است» (ابراهیم نژاد، ۱۳۹۳، ص ۳۴).

یک ماه بعد از مرگ ابوعمر البغدادی در ۱۹ آوریل ۲۰۱۰ در یک عملیات نظامی با «ابراهیم عواد ابراهیم السامرائی» معروف به «ابوبکر البغدادی» به عنوان امیر سازمان دولت اسلامی در عراق بیعت شد. در تبلیغات داعش از وی به «ابوبکر الحسینی القرشی البغدادی» نام برده می‌شود تا یادآور حدیث معروف «خلفاء امتی اثناعشر، کلهم من قریش» باشد (همان، ص ۱۲-۱۳).

براساس یکی از مقاله‌های منتشره در دابق^۱، طرح زرقاوی برای شکل‌گیری خلافت

۱. مجله دابق صرفاً یک مجله تبلیغاتی نیست، بلکه در صدد صورت‌بندی آینده خلافت اسلامی است و مهم‌تر اینکه تشریح می‌کند که خلافت اسلامی چگونه راهبرد جهانی خود را شکل می‌دهد (Gambhir, 2014, p.10).



شامل پنج گام است: هجرت، جماعت، بی‌ثبات کردن طاغوت، تمکین (تثبیت) و خلافت. این مقاله تبیین می‌کند که القاعده در عراق (AQI)، سه مرحله آن را که زمینه شکل-گیری دولت اسلامی عراق (ISI) است، تکمیل کرده و مدلی برای استقرار ترتیبات جاری خلافت است (Gambhir, 2014, p.8). در تبیین دیدگاه آنها در باب رهبری در مجله دابق چنین آمده است: «اسلام بدون جماعت، و جماعت بدون امارت (رهبری) و امارت بدون طاعت (فرمانبری) وجود ندارد... این دین یک چیز وعده‌داده شده توأم با پیروزی، نه دین تفرقه و تعصب، بدعت و تفاخر به نظر شخصی و نه خالی از دین امارت، اطاعت و خلافت است» (Dabiq, 1435, p.2).

البغدادی ابتدا تصمیم به فرستادن گروهی از مبلغان به سوریه کرد. این گروه تأثیر بسزایی در شورآفرینی و احیای روحیه نبرد ضد حکومت سوریه داشتند و اولین هسته‌های مخفی در حمایت از دولت اسلامی عراق را تشکیل دادند. عناصر دولت اسلامی عراق نبرد در برابر ارتش سوریه را آغاز کردند و حضور نظامی این گروه در شرق سوریه (که شبیه موصل و تکریت در غرب عراق است) ادامه یافت. با گذشت زمان، حضور عناصر تکفیری و عناصر دولت اسلامی عراق عاملی برای ضعف ارتش سوریه شد. در آغاز ۲۰۱۲ زمانی که جدایی گروه‌های معارض از نظام سوریه گسترش یافت، گروه جبهه‌النصره با رهبری «ابومحمد جولانی» ترمرد خود را از القاعده به رهبری «ایمن الظواهری» اعلام کرد و همین امر باعث شد تا البغدادی در ۸ آوریل ۲۰۱۳ تشکیل اتحاد دولت اسلامی عراق و شام (داعش) را اعلام کند. از آن زمان، داعش و پیروانش بیعت با البغدادی را بر هرکسی که بر ضد نظام سوریه اسلحه به دست گرفته، واجب شمردند. همچنین با گسترش نفوذ داعش و گسترش شاخه‌های آن در جهان اسلام، البغدادی می‌کوشد با تقلید از اسامه بن لادن، شاخه‌های داعش را مطابق ساختار سازمانی القاعده گسترش دهد تا از داعش پدیده‌ای بین‌المللی و جنبشی دینی-سیاسی بسازد. به همین دلیل برخی از پژوهشگران غرب معتقدند البغدادی امتداد طبیعی راهبرد استراتژیک بن‌لادن است. (عطوان، ۲۰۱۵، ص ۶۰).

با گسترش پهنه نفوذ داعش در سوریه و سیطره آن بر بسیاری از منابع مالی همچون چاه‌ها و پالایشگاه‌های نفت که از آنها برای تأسیس دولت و تأمین بودجه استفاده می‌کند، داعش به سوی عراق رهسپار شد و در جنگی تمام‌عیار استان نینوا (دومین استان عراق) را اشغال کرد و بر بسیاری از اموال بانک‌ها استیلا یافت و بر مناطق مهم شهر حاکم شد، به

علاوه با گروهان گرفتن غربی‌ها پولی به عنوان فدیة طلب می‌کند و از تجار جزیه دریافت می‌کند. سپس داعش در ۲۹ ژوئن ۲۰۱۴ دولت خلافت را رسماً اعلام کرد.

داعش به دلیل روشی که در پیش گرفته است، پیکره‌ای جدا از بعضی گروه‌های سنی عراق نبوده است. اگر ریشه تفکر تکفیری را در عراق بررسی کنیم، ریشه آن به اوایل سال ۱۹۹۷ باز می‌گردد، زمانی که جنبش سروریه (که مؤسس آن شیخ محمد بن زین العابدین بن سرور بود) به عنوان یک حرکت سلفی و بر مبنای اندیشهٔ اخوان المسلمین مجلهٔ السنه را منتشر ساخت و در آن به نشر افکارش پرداخت و در آن زمان بین اقشار سنی مشهور شد. در موسم حج در سال ۱۹۹۸ سرور با گروهی از عراقی‌های متأثر از وی دیدار کرد و همان‌ها هسته‌های اولیه سلفی - جهادی در عراق بودند و مهم‌ترین مؤسسان گروه انصارالاسلام در کردستان عراق شدند. بعد از یک سال، نیروهای جهادی انصارالاسلام شروع به سازماندهی در بغداد و صلاح‌الدین و موصل و دیالی کردند (مرکز مطالعات جنگ واشنگتن، ۲۰۱۴).



از آنجایی که سلفی‌های جهادی دارای روابط تاریخی با کشورهای حاشیهٔ جنوبی خلیج فارس، شام و مصر در موسم حج و عمره‌اند، گروندگان اولیه به جنبش سروری و هم‌پیمانان آنها مسئولیت عضوگیری و سازماندهی در عراق را به عهده گرفتند؛ چراکه دارای اندیشه سلفی - جهادی و افکار سروری بودند. آنان ترویج کتاب‌هایی با محتوای افراطی را که دعوت به راه حل جهادی و بشارت دولت خلافت می‌کرد، تشویق می‌کردند؛ آنان همچنین مردم را به بیعت با ملا عمر و هجرت و بیعت سربا طالبان در افغانستان فراخواندند.

هشام الهاشمی سه رویکرد در گروه‌های مسلح سنی در عراق را بر می‌شمارد و روشن می‌سازد که هر کدام از این رویکردهای سه‌گانه دیدگاه خاصی به اصلاح‌گری و تغییر سیاسی دارند (الهاشمی، ۲۰۱۵، ص ۱۰۵):

الف) رویکرد اصلاح از طریق مؤسسات دینی حکومتی: این رویکرد چاره‌ای جز استفاده از توانایی‌های مؤسسهٔ وقف سنی که زیر نظر دولت عراق است، ندارند. این جریان باید افکار اصلاح‌گرانهٔ خود را از دریچهٔ این مؤسسه‌ها عرضه کند. ضعف این رویکرد در این است که هواداران آن در صدد کسب و کار و منصب‌اند و بسیاری از آنان از دیدگاه اصلاح‌گرانهٔ حقیقی فاصله گرفته‌اند و به همین جهت دیگر مناسب دعوت و ارشاد جهت اصلاح نیست.

ب) رویکرد اصلاحگرانه هم‌پیمانی با احزاب سیاسی دارای وجهه اسلامی: این رویکرد در سیاست و جراید جایگاه دارد و بعضی از تجار اهل سنت را تشویق می‌کند و با سازمان‌های اطلاعاتی در منطقه مقابله می‌کند؛ ولی این رویکرد هوادارانی در جامعه شهروندان اهل سنت صلح‌جو ندارد و اگرچه این رویکرد در انتخابات شرکت می‌کند، ولی چندان موفق نیست؛ چراکه از پشتیبانی عمومی برخوردار نیست.

ج) رویکرد مقاومت: معتقد به راه حل جهادی است و به مواجهه مسلحانه ایمان دارد. این رویکرد در امتداد امیران جهادی است که گروه‌ها و سازمان‌های مسلح در عراق را پایه نهادند؛ ولی بیشتر اعضای آن در خارج از عراق‌اند و در رفاه زندگی می‌کنند و ارتباط دایمی و مستقیم با رزمندگان سازمان‌هایشان ندارند و ارتباط آن‌ها تنها از طریق سخنرانی‌ها صوتی و انتشار بیانیه در پایگاه‌های اینترنتی است. رویکرد اخیر به مثابه دایه و پذیرای سازمان داعش در عراق است؛ چراکه تمایل و آمادگی در نبرد و ایمان به راه حل نبرد دارند. همچنین این رویکرد از اندیشه‌های افراطی جنبش‌های تکفیری بهره می‌گیرد. با این حال این سازمان‌ها به دلیل عدم حضور رهبران در عراق دچار ضعف است.

دعوت به تکفیر جوامع و حکم به ارتداد مسلمانان، از آغاز ۱۹۹۰ از مساجد عراق و به دست شیخ مفتی عبدالملک شروع شد. وی متأثر از راه تجدید در عربستان و دعوت به توحید شیخ محمد عبدالوهاب و فرزندان و نوادگانش بود. نتیجه قرائت فردی وی از مشایخ نجد و حجاز، واجب کردن احکام تکفیری بر خود و پیروانش بود. وی عراق را دیار کفر نامید و خود و همراهانش را به واجبات و مستحبات شرعی در راستای اصلاح این جامعه فراخواند (ممو، ۲۰۱۵، ص ۱۰۷). در سال ۱۹۹۴ نوشته‌های بسیاری از علما و شیوخ تکفیری مثل «عبدالقادر عبدالعزیز (سید امام)» و «ابوبصیر طرطوسی» به واسطه بعضی از طلاب و مبلغان تکفیری وارد عراق شد. مذهب تکفیری توسعه پیدا کرد و به دست شیوخی چون سعدون القاضی و محمدحسین جبوری و محارب عبداللطیف جبوری گسترش یافت و در سال ۱۹۹۷ با تأسیس «جماعت انصارالاسلام» به رهبری «شیخ فاتح کریکار» به اوج خود رسید. پیروان این جماعت را به بیعت کریکار دعوت کردند و سلفی‌های معتدل را قانع کردند تا تفکر آنها را بپذیرند. جامعه سلفی بعد از این به دو بخش تکفیری جهادی (جماعة انصار السنه) و سلفی‌های معتدل (مکتب شیخ محمد ناصرالدین الالبانی) تقسیم شدند (نافع، ۲۰۱۴، ص ۱۰۴-۱۱۱).

۸۷ استفاده از تمایزاتی دوگانه نظیر جنگ صلیبی / جنگ مقدس، دارالایمان / دارالکفر،

انحراف / اصالت، جاهلیت / دیانت و مداومت در بیان این مفاهیم با هدف نوعی حدگزاری برای تکفیر در مجله *دابق* دیده می‌شود (Dabiq, 1435, Dhul-hijja, No p:2). به‌طور کلی تبلیغات تکفیری و گسترش اصول و افکار افراطی و گسترش آن در عراق مبتنی بر دو عامل بود: اول از طریق مساجد که در آن عضوگیری آغاز شد و دعوت به حاکمیت یکپارچه و احیای خلافت اسلامی قوت گرفت. دوم اهدای اموال خیریه مشروط که به منزله گام دوم برای ایجاد پشتوانه مالی و گسترش تکفیر در عراق بود.

عینیت یابی تفکرات داعش: وجوه اشتراک و اختلاف و تمایز آن با تفکر اسلامی

دیدگاه جهادی که توسط گروه‌های مسلح در عراق پایه‌گذاری شد و هدف آن دفع دشمن آمریکایی و اخراج آن از عراق بود، عاری از ترتیب و هماهنگی و حاصل فتوای‌های شرعی است که از قدیم بدان عمل می‌شد و بدون بررسی و مخالفت پذیرفته می‌شد. با گذشت زمان و نرسیدن به هدف (پیروزی) و تنوع فرهنگی رهبران گروه‌های مسلح سنی (سلفی، اخوانی و صوفی) این دیدگاه از چنین نقطه‌نظری فاصله گرفت و کوشید واژه‌های جدید را بر حسب نیاز و شرایط عراق پایه نهد.

آنچه گروه‌های مسلح سنی در عراق و از آن جمله داعش را در عراق متمایز می‌سازد، هواداران گسترده‌ای است که به اهداف آن ایمان دارند و بدون بحث یا جدل از آن تبعیت می‌کنند. این اهداف مطابق توجیهات شرعی و پوشش دینی است و شکی نیست که متون دینی - اگر سندیت آن‌ها را درست بشماریم - قرائت بی‌شماری دارند تا جایی که می‌توان بین متن دینی و قرائت دینی تمایز قایل شد؛ در ضمن طبیعت فتوا و صدور حکم شرعی به مقتضای طبیعت زمان و مکان و قضایای مورد بحث است و شریعت با این مسائل همراهی می‌کند.

باید توجه داشت گرایش به خشونت پیش از آن که برآمده از دین باشد، نتیجه زمینه‌های تاریخی، فرهنگی، اقتصادی و روان‌شناختی یک جامعه است؛ اگرچه اقدامات خشونت‌ورزانه این گروه‌ها ضد مردم در پوشش دین است و اعمال قدرت و ترس را به عنوان عکس‌العمل طبیعی در مقابل مخالفان مجاز بشمارند (خلیفه، ۲۰۱۴، ص ۳۲۰).

اسلام به‌صورت کلی یک اصل روشن است که می‌توان قرائت‌های نوگرایانه و همسو با زندگی از آن داشت؛ اما از مهم‌ترین وجوه بستگی در تفکر گروه‌های مسلح در عراق که مدعی نمایندگی اسلام هستند؛ می‌توان موارد زیر را بر شمرد:



۱. دیدگاه‌های آنان منحصر در آن چیزی است که کمیته‌های شرعی تحت امر آنها منتشر می‌کنند و با چشم‌پوشی از شایستگی شخصی مفتی یا اطلاع وی از دین و قدرت و صلاحیتش در امر فتوا، نظرهای صادره از علمای دیگر اهل سنت را بررسی نمی‌کنند؛ آنان علمای حکومتی‌اند و تنها به خواندن کتب خود یا فتوای صادره از کمیته‌های شرعی بسنده می‌کنند. همچنین مفتی جرئت مخالفت یا انتقاد از داعش یا القاعده یا حتی بعضی از رهبرانش در ساده‌ترین امور را ندارد و در صورت مخالفت منجر به تهمت مزدوربودن یا اجرای قصاص می‌شود.

۲. تأکید بر اجرای بعضی از فتواها که در موقعیت‌های خاص صادر شده است. آنان چنین فتوایی را قواعد کلی برای هر وقت و زمان تلقی می‌کنند و از ساختار تاریخی یا پژوهش در سند دینی آن چشم می‌پوشند.

۳. آنان به شکل مطلق ادعا می‌کنند که جهاد مصلحت است و در امر جهاد وصی تلقی می‌شوند. این در صورتی است که بین مذاهب و جریان‌های اسلامی در مشخص کردن حدود و موارد و اطلاق کلمه جهاد اختلاف نظر جدی وجود دارد.

۴. آنان بین تکفیر عام و تکفیر معین در فقه اسلامی خلط کرده‌اند؛ به این معنا که تکفیر با شکل معین و در موارد خاص را قاعده‌ای عمومی در نظر گرفته‌اند که حتی شامل اختلافات مذاهب (قناعات) نیز می‌شود.

۵. تعصب شدید در آرای خود و رهبرانشان و نپذیرفتن اجتهاد مخالفان. این گروه از طریق تکفیر، دیگران را نفی و سخن‌شان را لغو تلقی می‌کند تا بر ویرانه‌ها بزرگی و مدنیت خود را پایه نهد که مسلماً با اندیشه اسلام منافات دارد.

۲. داعش و القاعده

داعش از بطن القاعده پدید آمده و در فضای فکری و معرفتی القاعده رشد یافته است؛ اما با وجود یگانگی تقریبی در روش‌ها و اهداف با نگاهی عمیق‌تر در می‌یابیم که القاعده و داعش اهداف شخصی و دیدگاه‌هایی دارند که بر پایه فرهنگ، زمان، مکان و رهبران و وابستگی‌ها متفاوت است؛ بنابراین نمی‌توان یکی بودن اهداف و تاریخ - تا حدودی - را دلیلی بر تطابق هر دو گروه دانست؛ چراکه تفاوت فکری و تحول سازمانی آنان اختلافات بیشترشان را در پی دارد. در این بخش، زمینه‌های اشتراک و تفاوت سازمان‌های اسلام‌گرا به ویژه القاعده و داعش را بررسی می‌کنیم.

الف) زمینه‌های فکری و تبار مشترک القاعده و داعش

اغلب گروه‌های جهادی - تکفیری با تکیه بر اصالت و حقانیت خود، گفتگوی سیاسی با طرف‌های مختلف را رد می‌کنند و چنین کاری را از منظر دین شایسته نمی‌دانند. این گروه‌ها به صورت علنی گفتگو با آمریکا و همچنین گفتگو با بیشتر سازمان‌های سیاسی در سرزمین‌های عربی و اسلامی را نیز رد می‌کنند؛ زیرا بر مبنای اصل ولاء، تا اعلام توبه و «بیعت» زمینه برای گفتگو فراهم نیست. به‌ویژه بعد از سرنگونی مرسی و دولت برآمده از اخوان المسلمین در مصر، چه کسی می‌تواند گروه‌های مسلح در جهان عرب را قانع کند که صندوق‌های رأی راه حل است؟

اشتراکات فکری داعش و القاعده و جنبش‌های سنی افراطی را می‌توان چنین برشمرد:
- وجود آرمان مشترک و مبتنی بر شریعت اسلامی: مجموعه رزمندگان داعش و بیشتر گروه‌های مسلح در آرمان شریعت اسلامی که به مثابه حلقه مشترک آنهاست، اتفاق نظر دارند. این آرمان توجیهی برای موجودیت آنها و توجیه‌کننده اقداماتی است که انجام می‌دهند. شواهد و نشانگان این آرمان مشترک، جهادگرایی، ایمان بدون پرسشگری، دفع دشمن از سرزمین، حکم به آنچه خداوند نازل کرده و تلاش برای رفع ظلم است. این گروه‌ها می‌کوشند تا به این آرمان و عقیده کمک و رنج‌های موجود را ولو با سلاح از بین ببرند. در ادامه برخی عناصر هویتی آنها در چارچوب آرمان شریعت اسلامی ذکر خواهد شد (حطیط، ۲۰۱۴، ص ۱۵۵).

- وعده پیروزی یا شهادت: این مسئله از بزرگ‌ترین وجوه اشتراک بین گروه‌های جهادی است و اعضای گروه بشارت پیروزی یا شهادت در راه عقیده یا آرمان خود را عنصری محوری در گرایش به این گروه‌ها می‌دانند.

- ایمان به گروه به جای شخصیت‌ها: گروه‌های جهادی به شکل گسترده متکی به شخصیت‌ها نیستند. به همین جهت ازدست‌دادن یکی از این شخصیت‌ها تأثیرگذار است؛ ولی این تأثیر گسترده نیست. این گروه‌ها به شکل گسترده به روح سازمان تکیه می‌کنند تا اینکه به شخصیت‌ها اتکا نمایند. کشته‌شدن بن‌لادن شهادی بر این امر است (الهاشمی، ۲۰۱۵، ص ۱۲).

- تأثیر از تفکر جهادی قطبی-اخوانی: زمینه‌های فکری داعش برآمده از پس زمینه (قطبیه-اخوانیه) است که مسائل حاکمیت و خلافت را بر پایه تفکرات آنها ایجاد کرده‌اند (المناع، ۲۰۱۵، ص ۱۵). معمولاً گروه‌های جهادی که بر مبنای سری (روش اخوانی) اقدام



می‌کنند، به روش‌های مختلف کشتن (روش قطبی) دست می‌زنند. حتی قبل از اینکه اقدامات سری صورت دهند، قتل سازمان‌یافته را به شکل تدریجی در مواجهه‌های مختلف با دشمن تکرار می‌کنند.

- **عضوگیری بر پایه ساختار سلسله‌مراتبی:** هر گروه جهادی روش فکری معینی برای تحریک، توجیه و تأیید اقدامات جهادی دارد (عطوان، ۲۰۱۵، ص ۲۰۴) و چنین منظومه‌ای غالباً سازمان گروه جهادی را به شکل یک هرم شکل می‌دهد که در رأس آن افکار گروه قرار دارد و گروهی از ناظران و شارحان این افکار اقدام به تأیید آنان می‌کنند و در ادامه گروهی از مبلغان اقدام به عضوگیری فکری می‌کنند که از عضوگیری نظامی بیشتر است؛ به‌گونه‌ای که گروه‌های جهادی در این نقطه تلاقی فرصتی برای گسترش نفوذ جغرافیایی و انسانی می‌یابند.

ب) زمینه‌های مشترک فعالیت داعش و القاعده

مهم‌ترین نشانه‌ها و زمینه‌های مشترک داعش و القاعده و سهم آن در فعالیت این دو گروه در عراق به اختصار عبارت است از:

- گسترش شیعه در خاورمیانه که پیش از این و با این ماهیت و گستردگی سابقه نداشت و تشیع دینی و سیاسی در درون مرزهای ایران قلمداد می‌شد.

- داعش و القاعده در عراق به مقدار کافی هواداران سلفی جهادی دارند که در استان‌های سنی‌نشین زندگی می‌کنند. این افراد علوم شریعت را فرا گرفته و از علمای خارج از عراق بی‌نیازند؛ به همین دلیل شاخه القاعده در عراق یکی از قوی‌ترین آنهاست و در شکل‌گیری داعش به شکل عملی نقش مهمی ایفا کرد.

ظهور دو سازمان داعش و القاعده در عراق همزمان و با هدفی معین بود که در بخش بعدی پیرامون تحول و اختلاف زمینه داعش سخن خواهیم گفت. اما اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ در اصل به معنای مجوزی برای زایش سازمان‌های تکفیری مسلح بود. این اشغال توجیهی برای ایجاد القاعده و داعش در هر سرزمین اسلامی بود. نیروهای این سازمان‌ها در عراق دور از محیط جنگ با آمریکا بودند و به لحاظ جغرافیایی می‌توانستند با آنان رویارویی شوند؛ ولی آمریکایی‌ها به عراق آمدند و در مقابل آنها قرار گرفتند. اندکی پس از

ورود نیروهای امریکا به عراق «شیخ ابومحمد العدنانی الشامی»^۱ با هدف تحریض مسلمانان به طرح ضرورت رویارویی با صلیبی‌ها و وعده پیروزی نهایی پرداخت (Official Spokesman For The Islamic State, 1435, P.1). در شماره دو مجله دابق، این جمله از ابومصعب زرقاوی آمده است: «جرقه تا به اینجا در عراق روشن شده است و آتش آن زبانه خواهد کشید- به اذن خداوند- تا زمانی که ارتش جنگ‌های صلیبی را در دابق بسوزاند» (Dabiq, Ramadan, No 2, P.2).

این دو سازمان (داعش و القاعده)، پروژه‌های بزرگ در عراق را پایه‌گذاری کردند و آن ایستادن در مقابل روندهای سیاسی در عراق تحت عنوان مظلومیت عرب سنی و محرومیت آنها از مشارکت در سیاست و حکومت بود. این هدف به دو صورت جلوه‌گر شد: اعلام جنگ ضد هر کسی که در روند سیاسی و حکومتی شرکت می‌کند و در همان حال، ضمن اعلام عدم مشارکت در این دو روند، مشارکت هر عراقی در کار سیاسی یا حکومتی ممنوع اعلام شد.

ج) زمینه‌های تعارض داعش و القاعده

با وجود اینکه هر دو سازمان داعش و القاعده از یک منشأ هستند، دیدگاه‌های مختلفی نسبت به برخی مسائل دارند. برخی از این اختلافات به ریشه‌های اعتقادی و اهداف و پایه‌ها و اصول باز می‌گردد و بعضی دیگر ناشی از طبیعت کار میدانی و دیدگاه متفاوت آنها برای اجرای این اهداف و تحقق آنهاست.

واقعیت این است که همه سازمان‌ها و احزاب و مجموعه‌های افراطی و علی‌الخصوص تکفیری نشئت گرفته از دیدگاه حذف مخالف است و جایی برای گفتگوی مستقیم باقی نمی‌گذارند. این گروه‌ها بر پایه عقاید قطعی و غیرقابل پرسش شکل گرفته‌اند، چه ضد آنها باشد و چه موافق‌شان (علمیون، ۲۰۰۸، ص ۲۸). این دو عامل با اینکه مانعی بر سر بسیاری از گروه‌های تندرو و جهان خارجی می‌باشد، منجر به چند تکه شدن این گروه‌ها نیز شده است؛ چراکه افراطی‌گری همان‌طور که یک گروه را از جهان جدا می‌کند، افرادش را نیز بر حسب تفکرات تقسیم می‌کند.

می‌توان اعتراضات گروه «القاعده» به داعش و همچنین اختلافات بین این دو سازمان

1 . Shaykh Abū Muhammad al-‘Adnānī ash-Shāmī.



را در اعتراض به ساختار داخلی (دیدگاه کلی، رهبری و جایگاه نیروهای خارجی نسبت به گروه) و خارجی (دیدگاه خارجی، اهداف، تحولات، عقاید و....) تقسیم کرد:
در زمینه داخلی، تحول در دیدگاه طرفین و شروع جدایی را می‌توان در تسلط بر امکانات سیاسی دید؛ چراکه بسیاری از مسائل بعد از جنگ‌های سوریه در سال ۲۰۱۲ نسبت به داعش تغییر یافته است.

- افزایش اموال و سلاح و رزمندگان به شکل مستقیم و گسترده در جبهه شمالی و شرقی سوریه به گونه‌ای که در ماه آوریل سال ۲۰۱۳ میلادی به اوج رسید و همین امر باعث شد تا داعش بیعت با بغدادی را بر هر کسی که در این مناطق سلاح بر دست گرفته، واجب بشمارد. این در حالی است که بغدادی قبل از این اذعان می‌کرد که سلاح داعش تنها در جنگ با طائفه نصیری، شیعیان و نظام بشار اسد به کار گرفته خواهد شد. اما جنگ‌هایی برای قبول بیعت در منطقه‌های رقه، ریف حلب، ریف ادلب و کوه‌های لاذقیه بر ضد جبهه النصره و جبهه اسلامی و احرار شام انجام شد. ضمن آنکه داعش از تصمیمات ایمن الظواهری که بغدادی آن را ضعیف و سست می‌خواند، سرپیچی کرد (مناع، ۲۰۱۵، ص ۱۳۹-۱۵۱). بغدادی در پی این مسئله به تهیه بودجه از داخل روی آورد و اعلام بی‌نیازی از خارج کرد؛ به گونه‌ای که گرفتن کمک مالی از القاعده را که از سال ۲۰۰۴ ماهیانه حدود ۵۸۰ هزار یورو بود، قطع کرد (الهاشمی، ۲۰۱۵، ص ۲۲۶).

- در زمینه شرعی نیز بین این دو گروه اختلاف وجود دارد؛ چراکه القاعده داعش را از سنت و بیعت خارج می‌داند و در این زمینه بسیاری از شیوخ سلفی همراه القاعده هستند؛ به گونه‌ای که بغدادی بسیاری از هوادارانش از شیوخ سلفی جهادی را از دست داد؛ چراکه بعضی از شیوخ معتقدند خروج بغدادی بر الظواهری از افعال خوارج است و دیگران معتقدند بغدادی با واجب‌شمردن بیعت بر علیه جبهه النصره جنگ را ضد جریان جهادی و سلفی اعلام کرده است (علوش، ۲۰۱۵، ص ۲۵۹). به این دلیل که اعتبار وی به عنوان مدافع آرمان یاری عرب‌های سنی در عراق و شام مخدوش گردید و مقبولیتش در جهان عرب و اسلام از دست رفت.

همچنین شخصیت تکفیری- طائفه‌ای بغدادی در روش برخورد وی با جنگ‌های عراق و سوریه تأثیر گذاشته است و چه بسا منجر به بحرانی‌تر شدن وضعیت منطقه و طوفانی شدن آن و در نتیجه تغییر نقشه سیاسی و اجتماعی آن بشود. همین امر، منجر به کمک گرفتن بغدادی از شیوخ شریعت عراق در بحث، نظرخواهی، نگارش کتاب‌های

شرعی و همهٔ مسائل مرتبط با تألیف و فتوی و شرح و جواب‌دادن به مخالفان شد. از این شیوخ می‌توان به عبدالله یوسف خاتونی، عبدالله عانی، میسر علی جبوری و انس حسن خطاب اشاره کرد.

- دو گروه در امر بیعت و اعتقاد به حقانیت آن اختلاف دارند و همین امر الظواهری را واداشته تا درخواست محاکمه شرعی البغدادی و جولانی را بدهد و دلیل وی احقاق خون مسلمین است. البغدادی نیز به مقابله برخاسته و با تأکید بر این امر که جهاد تنها از طریق آنها و با نام داعش معنا می‌یابد، کسانی را که با روشی غیر از این بجنگند، متهم به خیانت و ارتداد کرده است. هرچند الظواهری آمادگی‌اش برای چشم‌پوشی از جنایات داعش در سوریه را به شرط بیعت البغدادی مخفی نمی‌کند. البغدادی در خطبه‌هایش بر عدم اثبات بیعت داعش با الظوه‌ری تأکید می‌کند و ناتوانی الظواهری در آوردن دلیل برای این مسئله را یادآور می‌شود (علوش، ۲۰۱۵، ص ۲۶۶).

- اختلاف در رهبری: از آنجایی که در القاعده تنوع رهبری دیده می‌شود و مهاجران سهم بالایی در رهبری شاخهٔ القاعده در عراق دارند، البغدادی کوشیده تا نقش مهاجران عرب در مناصب مهم سازمان را کم کند و بسیاری از آنان را در مناصبی چون شورا، اطلاع‌رسانی، سربازگیری و جمع اموال خیریه قرار داده است (مناع، ۲۰۱۵، ص ۳۳). او در امور اختیارات اعلام جنگ‌ها، تأسیس شورای نظامی و لغو منصب وزیر جنگ و عزل مسئولان در ولایت بغداد و دیالی از افسران تکفیری سابق ارتش عراق به‌ویژه نیروهای امنیتی و اطلاعاتی کمک گرفته است. این مسئله به دلیل ترس البغدادی از دخالت در تصمیمات و مراقبت از او و حسابرسی از طرف رهبران القاعده می‌باشد. همان‌گونه که با زرقاوی و البغدادی چنین معامله‌ای شد. همچنین این مسئله باعث شد تمام منصب‌های وزارتی در داخل سازمان را حذف کند و همهٔ ادارات و مناصب داخل در سازمان با اشراف مستقیم وی در اکثر موارد کار کنند و این همان شیوه زرقاوی است.

در زمینهٔ خارجی، اختلاف در دیدگاه‌های تابع داعش و القاعده به دو نکته باز می‌گردد: - اختلاف پیرامون محدودهٔ جدید عملیاتی که انرژی گروه را از بین برده و تلاش- هایش را ناپیوسته می‌کند. القاعده معتقد است که جهاد دو نوع می‌باشد: جهاد فتح و جهاد دفاعی (الهاشمی، ۲۰۱۵، ص ۱۴). نوع اول یا همان جهاد فتح، تنها توسط دولت صورت می‌پذیرد و هدف آن گسترش مرزها و انتشار دعوت اسلام و برطرف کردن ظلم از مظلومان است. اما جهاد دفاعی در صورت حمله و یورش دشمن به هر سرزمینی از



سرزمین‌های اسلامی می باشد که بر هر مسلمانی واجب است. در نتیجه دو طرف بر سر وجود جهاد فتح اختلاف دارند و همین امر منجر به اعلام دولت در موصل و شمال سوریه از طرف البغدادی شده است تا دیدگاه خود پیرامون حقانیت این نوع جهاد را به اثبات برساند؛ در صورتی که القاعده چنین اقدامی را کاستن از انرژی‌ها و از بین بردن تلاش‌ها می‌داند.

- در زمینه اهداف نیز اهداف استراتژیک هر دو طرف تغییر یافته است. در سال ۱۹۹۸ بیانیه‌ای صادر شد و تشکیل جبهه مبارزه جهانی برای مبارزه با یهود و مسیحیت اعلام شد و این اهداف تا مدت‌ها محرک اساسی دیدگاه القاعده در این رابطه بود. این دیدگاه به احیای روح جهاد و برپایی امت اسلامی و وحدت آن زیر پرچم وحدت و مقاومت بر ضد اشغال عراق توسط آمریکا در سال ۲۰۰۳ و هم‌پیمانان آمریکا تغییر یافت. به این ترتیب، تمام طرف‌های معارض با القاعده یا گروه‌هایی که در فقه و عقاید با آن متفاوت‌اند، در چارچوب «هم‌پیمانان آمریکا» قرار گرفتند. اما وقتی داعش به قدرت رسید، هدف اساسی آن مبارزه با شیعه (به عنوان دشمن نزدیک)^۱ به شکل مستقیم و حتی چشم‌پوشی از غرب و آمریکا بود. زرقاوی به عنوان رهبر کاریزمای داعش، پس از تشکیل القاعده فی بلاد الرافدین، دشمن اول خود را شیعیان نامید و رسماً شیعه را خائن و منافق معرفی کرد؛ عموم شیعیان را تکفیر کرد و کشتن تمامی آنها را جایز شمرد (ابراهیم نژاد، ۱۳۹۳، ص ۶۶).

همچنین می‌توان به تمایزی جدی بین داعش و القاعده اشاره کرد، تمایزی که در عملیات انتحاری که هر دو گروه انجام می‌دهند، تجلی می‌یابد. داعش به عملیات انتحاری به شیوه‌ای تاکتیکی نگاه می‌کند، القاعده به عملیات انتحاری دیدی استراتژیک دارد (اسدی، ۱۳۹۳، ص ۲۴).

۳. ساختار سازمانی داعش

بخشی از گفتار پیرامون دولت خلافت یا دولت اسلامی در عراق و شام، تصور از

۱. عدو قریب.

ماهیت و سرشت چنین دولت‌هایی است که حضور خود را اعلام کرده‌اند. آیا چنین دولت‌هایی بنیان و اساس حقیقی یک دولت را دارا هستند؟ یا تنها حامل جنبش و شعارهایی است که هدف آن ایجاد دیدگاه سیاسی و دینی برای این سازمان است؟ آیا سخن گفتن از ساختارهای کنونی این دولت فرضی، ناشی از دیدگاه استراتژیک اهداف این سازمان است؟ یا مرحله‌ای است که فرض آن طبیعت تحولات سیاسی است؟ شهروندان در آن چه جایگاهی دارند؟ آیا دیدگاه یک‌جانبه‌نگر تکفیری که همه مخالفان را حذف می‌کند، می‌تواند دولتی را در قرن بیست و یکم پایه نهد؟

شاید داعش در واقعیت، بنیان‌های فرضی برای تشکیل دولت را داشته باشد و برخوردار از سه عامل (زمین، جمعیت و حکومت) باشد؛ اما به دلیل فقدان عنصر حاکمیت و شناسایی نتوانسته است به عنوان دولتی مستقل ظهور یابد. نکته مهم‌تر اینکه، داعش بیش از آنکه تشکیل دولت را داشته باشد، در صدد ارائه الگویی متفاوت از ساختار کنونی نظام بین‌الملل و اعاده ساختار خلافت است. پروژه البغدادی برای تحقق استراتژی سازمانی داعش دارای سه مرحله است: مرحله اول یا همان مرحله صولت (تاخت و تاز)، مرحله درگیری با رزمندگان گروه‌های دیگر و سپس مرحله گرفتن بیعت اجباری از تمامی رزمندگان در مناطق تحت نفوذ خود می‌باشد. چنین کاری بر مبنای عقیده اسلامی در حرمت تعدد پرچم‌ها در زمان تشکیل دولت اسلامی می‌باشد (خلیفه، ۲۰۱۴، عدد ۱۲)؛ یعنی برپایی هر سازمان دیگر یا گروه‌ها و احزاب که هنوز با البغدادی بیعت نکرده و در زیر سلطه وی نیستند، حرام می‌باشد؛ چرا که تشکیل چنین گروه‌هایی دولت اسلامی فرضی را ضعیف می‌سازد. همین امر را می‌توان در «کمیته‌های حسبه» در نینوی، رقه و دیگر مناطق تحت نفوذ داعش مشاهده کرد.

با این حساب، هر کسی که پروژه سازمانی البغدادی را بر طبق دستاوردهای مطرح بررسی می‌کند، در می‌یابد که:

- استراتژی سازمانی بلندمدتی برای سازمان داعش وجود ندارد تا بر اساس قرائت‌های بازتر از متون دینی بتواند نمونه‌ای از یک دولت را شکل دهد.

- ساختار سازمان مبتنی بر بنیان‌هایی است که بیشتر جنبش‌های دینی در آن مشترک‌اند. این بنیان همان مقاومت است و ایجاد دولت یا در دست داشتن پروژه‌ای برای تشکیل دولت را در بر نمی‌گیرد.

این امر نشان می‌دهد سازمان داعش، از نظر فکری به مرحله تشکیل دولت نرسیده



است و نمی‌تواند نمونه خود را برای تشکیل دولت و مبتنی بر دستاوردهای دینی و تکفیری (که ناشی از قرائت خاص از اسلام است) بسازد؛ از این رو در این بخش به بحث دربارهٔ بنیاد سازمانی داعش می‌پردازیم و دیدگاه‌های سازمانی داعش برای ایجاد دولت خلافت را تحلیل می‌کنیم.

شبکه‌های داعش متأثر از تجارب شبکه‌های القاعده به چهار دسته تقسیم می‌شوند که ساختار سازمانی داعش محسوب می‌شوند (اله‌اشمی، ۲۰۱۴، ص ۱۴۲):

الف) نویسندگان و ناظران: این گروه غالباً در مجلس شورا، هیئت‌های شرعی، امر قضاوت و کمیته‌های حل اختلاف و نزاع و دادخواهی مشترک دیده می‌شوند. از این دسته می‌توان به قاضی ضریر «علی جبوری» و شیخ ابو عبدالرحمن عراقی و شیخ عبدالستار جنابی اشاره کرد.

ب) مبلغان و ناشران: این دسته شامل ائمهٔ جمعه، خطیبان و طلاب علوم دینی مبتنی بر تفکر تکفیری قطبی‌اند و از نظر رتبهٔ علمی پایین‌تر از نویسندگان و ناظران محسوب می‌شوند. این افراد غالباً در امور جذب نیرو، پایگاه‌های الکترونیکی به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی حضور دارند تا اندیشه خود را ترویج و به دشمنان پاسخ دهند. بسیاری از این دسته به صورت مستقیم به همراه رزمندگان داعشی و در میدان نبرد حضور دارند. از این دسته می‌توان به ابو محمد عدنانی معروف به «طه نبشی» اشاره کرد.

د) مؤمنان: این دسته غالباً در صف اول رهبری نظامی، اداری، مالی، امنیتی و... هستند و به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ اول مؤمنان اصیل به تفکر تکفیری و دوم وابستگان پیشین حزب بعث که مؤمن به تفکر تکفیری‌اند و در خطوط مقدم سازمان حضور دارند. خصوصاً بعد از آنکه البغدادی به رهبری داعش رسید و آنها را به خود نزدیک ساخت. از این دسته می‌توان به ابو عبدالرحمن بیلاوی و ابومسلم ترکمانی اشاره کرد.

د) تابعین: این دسته غالباً شامل کسانی است که به تفکر تکفیری معتقد نیستند؛ ولی برای گروه داعش سازماندهی شده‌اند. دلیل پیروی آنان از این سازمان، شور و عاطفه یا فریفتگی است که ناشی از جهل آنان می‌باشد.

رهبری در داعش

رهبران رده اول داعش در عراق (بنا بر زندگی شخصی‌شان) غالباً گرایش سلفی، قطبی و جهادی و در رفتار خود خشونت و شدت (برپایه درک و هوش متفاوت) دارند و

عده کمی از آنان در امور واقعی، درک فقهی و استنتاج منطقی فقهی دارند. این امر به صورت کلی ناشی از تأثیری است که تکفیری‌ها در ابتدای شروع دین‌آموزی خود از تفکرات جهادی (در انتقام از جامعه) پذیرفته‌اند و هدف از این افکار ایجاد شخصیت ستیزه‌جو در این اشخاص بوده است (ناجی، ۲۰۱۵، ص ۶۸). چنین امری غالباً منجر به گوشه‌گیری و پناه‌بردن این افراد به این افکار و منع آنان از ورود به جامعه (با این گمان که این جوامع جاهلی‌اند) و استفاده از مفهوم ولاء و براءت برای چنین رهبانیتی و حکم به تکفیر و الحاد دیگران شده است.

رهبان داعش نزد بسیاری از رزمندگان مقبول نیستند؛ ولی به دلیل تهدید و ترغیب دینی و در برخی مواقع سرکوب، به بیعت با امیر داعش تن داده‌اند. زنجیره خشونت‌هایی که داعش هر روز بدان مرتکب می‌شود و ده‌ها نفر از مسلمانان و دیگر ادیان را به دلیل نپذیرفتن بیعت با امیر می‌کشد، از این دست است. حتی در داخل سازمان‌های افراطی تکفیری نیز به همین عنوان اقدام به قتل می‌کنند؛ برای مثال پیش از این نیز سازمان القاعده در شهر موصل و در پایان سال ۲۰۰۹ گروه شیخ عبدالکریم جبوری معروف به «ملا کریم الشوره» را اعدام کرد؛ چراکه وی کوشید راه بغدادی را تصحیح کند و وی را به راه زرقاوی بیاورد (الهاسمی، ۲۰۱۴، ص ۲۰۳).

به همین دلیل سیاست رهبان داعش، گوش‌ن سپردن به سخنان گروه‌ها و شاخه‌های دیگر، شکایات و مسائل مردم، و علمای سلفی جهادی که می‌کوشند تا اصلاح کنند، می‌باشد و هر کسی که غیر از آنان باشد، متهم به داخل شدن در تشویق به تمرد و عصیان می‌باشد. این خودپسندی و عدم پذیرش دیگران که چه بسا با فکر و اندیشه آنان تطابق دارد، آنان را از رسیدن به حقیقت و توجه به درخواست‌های مردم باز داشته است و بغدادی را به این توهم انداخته است که وی حق است و هر آنکه غیر اوست، باطل است. به همین سبب وی در مواجهه با مشکلات تنها راه‌حل‌های لحظه‌ای و سختگیرانه دارد و در پایگاه‌های الکترونیکی یا تهدید می‌کند. یا با فیلم‌های ترسناک مردم را می‌ترساند.

همچنین در موضوع رهبری داعش باید در نظر داشت موفقیت رزمندگان البغدادی در سپردن پست‌های کلیدی فرماندهی نظامی، مالی و امنیتی در ولایات عراق و سوریه به عراقی‌ها، آن هم در مدت‌زمانی کوتاه مسئله‌ای قابل ملاحظه است. تعصب عراقی‌ها - که بیشترشان از بعضی‌های سابق‌اند- و پیروزی‌هایشان و همچنین تضمین عدم گرایش آنها به تحریکات گروه‌های دیگر که تابع الطواهری هستند تا حدی در این امر نقش دارد.



دیدگاه سازمانی داعش برای ایجاد دولت خلافت

دیدگاه «ابوبکر البغدادی» در ساختار دولت و ادارات آن از دیدگاه ابوعمر البغدادی و یا ابومصعب زرقاوی متمایز است؛ چراکه هر کدام از آنان در مورد اداره دولت و طبیعت ساختار آن، ارتباط این مناصب و تنوع آن و تناسب آن با نیازهای فعلی دیدگاه خاصی دارند. دیدگاه رهبران داعش و القاعده مبتنی بر دیدگاه مدیریتی همه‌جانبه و آینده‌نگر نیست؛ بلکه چنین دیدگاه‌هایی طبیعت احتیاجات و ضرورت‌های جاری در این مرحله را نشان می‌دهد. از نظر شکلی ساختار ابوعمر البغدادی و «زرقاوی» از دیدگاه ابوبکر البغدادی با وجود فراهم‌آمدن امکانات برای آخری فراگیرتر است. از همین جاست که با رعایت برخی ملاحظات سه عنصر مهم در دیدگاه داعش در زمینه دولت خلافت را که شامل ساختار داخلی دولت خلافت، منابع مالی و روابط خارجی است، را بررسی می‌کنیم.

ساختار داخلی دولت فرضی

ریاست دولت را «ابراهیم عواد ابراهیم البدری السامرائی» معروف به «ابوبکر البغدادی» دارد و او بالاترین مقام دینی است که به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر سازمان حکومت می‌کند و به عنوان ولی امر مسلمین در دولت خلافت با وی بیعت شده است. «داعش سرزمین‌های تحت نفوذ خود را به بخش‌هایی به نام ولایت تقسیم کرده است. تاکنون شانزده ولایت، در مناطق تحت تصرف آن تشکیل شده که هشت ولایت در عراق و هشت ولایت در سوریه هستند. شخص والی در هر ولایت، حاکم مطلق آن است و یک معاون نظامی و یک معاون شرعی دارد که ریاست هیئت شرعی و امنیت را بر عهده دارند» (ابراهیم نژاد، ۱۳۹۳، ص ۵۰-۵۱).

البغدادی بر همه شئون سازمان که افرادش بالغ بر هیجده هزار رزمنده است، تسلط دارد. وی بر بعضی از مناطق عراق و شام سیطره دارد و در کاهش تعداد پست‌ها در سازمان کوشیده است؛ به‌گونه‌ای که هر کسی را که منصبی در سازمان ندارد، به «گروه‌های خفته» ارجاع داده است که در ارتباط با سازمان سری، البیعه و النصره در زمان آماده‌باش می‌باشند. این اقدام احتمال دستیابی به موفقیت را و هزینه‌های مالی، اقتصادی در سلاح، دقت و تنوع اهداف را کاهش داده است.

همچنین البغدادی کوشیده نقش مهاجران عرب در منصب‌های رهبری داخل سازمان را بکاهد و بسیاری از این افراد را به شغل‌هایی چون شورا، اطلاع‌رسانی، عضوگیری و جمع منابع خیریه ارجاع داده است و همهٔ اختیارات در حوزهٔ اعلام جنگ‌ها را به خود اختصاص داده است. وی منصب وزیر جنگ را لغو کرده است و تعدادی از مسئولان سازمان در دو استان بغداد و دیالی را عزل کرده است؛ همچنین از افسران تکفیری ارتش سابق عراق به‌ویژه نیروهای امنیتی و اطلاعاتی کمک گرفته است. البغدادی بعضی از مناصب کلیدی را در دولت به شکل مستقیم به خود اختصاص داده است (البکری، ۲۰۱۵، ص ۲۸-۳۰):

- شورای نظامی: البغدادی مستقیماً بر این شورا نظارت دارد. در حال حاضر ریاست این شورا را «ولید جاسم محمد» به عهده دارد. البغدادی وی را برگزیده است و از مجلس شورا مشورت می‌خواهد؛ به‌گونه‌ای که کسی در شورای نظامی عضو نمی‌شود، مگر اینکه البغدادی وی را برگزیده و مجلس شورا صلاحیتش را تأیید کرده باشد. این شورای نظامی از رئیس و سه عضو تشکیل می‌شود و وظیفهٔ آن طراحی و مدیریت فرماندهان نظامی در ولایات و پیگیری نتایج جنگ‌های البغدادی در این ولایت هاست.

- هیئت‌های شرعی: ریاست آن برعهدهٔ شیخ «ابومحمد العانی» می‌باشد و بسیاری از اعضای آن مهاجران عرب به‌ویژه سعودی هستند. این هیئت‌ها به دو بخش تقسیم می‌شود: بخش اول به قضاوت و حل اختلافات و نزاع‌ها، برپایی حدود شرعی، امر به معروف و نهی از منکر می‌پردازد. بخش دوم به ارشاد، عضوگیری، تبلیغات و پیکیری امور رسانه اشتغال دارد.

- مجلس شورا: ریاست آن را ابورکان عامری بر عهده دارد و اعضای آن حدود نه تا یازده نفر است که از رهبران قدیمی شریعت در سازمان محسوب می‌شوند و البغدادی آنها را بر می‌گزیند. از وظایف آن بررسی صلاحیت والیان ولایت‌ها و افراد شورای نظامی و افراد مجلس شورا در حضور البغدادی می‌باشد. از لحاظ نظری، این شورا در صورتی که رهبر سازمان به وظایفش عمل نکند، می‌تواند اقدام به عزل وی نماید؛ هرچند که چنین اقدامی تقریباً محال است.

- شورای امنیت و اطلاعات: به ریاست «ابوعلی الانباری» است. از وظایف او مسئولیت اماکن، نقل و انتقالات البغدادی، قرارها و پیگیری تصمیم‌های صادره از جانب وی و مقدار جدیت والیان در اجرای این احکام است؛ همچنین بر اجرای احکام قضایی و



جاری ساختن حدود شرعی و حفظ نظام در مقابل آسیب‌پذیری نظارت می‌کند و در هر ولایتی مفارزی دارد که مسئول انتقال پست و هماهنگی ارتباطی بین ارکان سازمان در همه بخش‌های ولایات است. این شورا یگان‌های ویژه در ترورهای سیاسی گوناگون و جمع اموال دارد. این شورا سه عضو دارد که البغدادی آنان و فرمانده امنیتی و زیردستان او در هر ولایت را تعیین می‌کند.

- **مؤسسه رسانه‌ای و مطبوعات:** البغدادی و نمایندگانش در ولایات بر مؤسسه مطبوعات نظارت دارند. این مؤسسه به ریاست فردی سعودی به نام «ابوالاثر عمرو العبسی» می‌باشد و نویسندگان و نیروهای تابع این بخش تحت مدیریت وی اقدام می‌کنند. بیشتر آنان از «سلول‌های خفته» و بعضی دیگر از یاران داعش می‌باشند.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، البغدادی در ساختاری که ایجاد کرده است، فرماندهان گذشته در سازمان را نادیده می‌گیرد و به شبکه‌های شخصی و همچنین روابط البغدادی با انبار و پادگانی که قبلاً در آن بازداشت بوده است، تکیه کرده است؛ چراکه بسیاری از پست‌های سازمانی در داعش به دلیل تسلط نظامیان و نیروهای امنیتی و حکومت شخصی البغدادی (که مایل است بر هر چیز تسلط یابد) بسیار ضعیف است.

منابع مالی: مهم‌ترین منابع مالی داعش در سال ۲۰۱۴ به‌اختصار چنین است (الهاشمی، ۲۰۱۴، ص ۱۵۸):

• گرفتن اموال تاجران و ثروتمندان به زور و قراردادن حق امتیاز برای ماشین‌های بزرگ (کامیون‌ها) در مسیر جاده‌های بین‌المللی.

• داعش به جمع اطلاعات امنیتی از کارمندان بلندپایه در بخش خدمات اقدام می‌کند و با ربودن بستگان‌شان، آنان را تهدید می‌کند و با اعطای بخشی از قراردادهای حکومتی با آنان معامله صورت می‌دهد؛ برای مثال بنا بر اعترافات «مناف راوی» (والی بغداد در سازمان داعش در سال ۲۰۱۰) داعش از شرکت ارتباطاتی «آسیاسیل» ماهانه حدود ۶۸۰ هزار دلار دریافت می‌کرده است.

• حصول مبالغی از تریلی‌های نفت کش خارج‌شده از «پالایشگاه نفت بیجی»، چیزی حدود سی هزار دلار در روز و میانگین پنج میلیون دلار ظرف پنج سال گذشته.

• درآمدی معادل نیم‌میلیون دلار روزانه در سال گذشته از چاه‌های نفت رقه، زمله،

طبقه و اطراف آن و همچنین منطقه نفتی الثوره (بعد از تسلط بر آن).

• منطقه نفتی جیسه، بعد از تسلط داعش بر منطقه الشدادی؛ به‌گونه‌ای که ظرف

شش ماه روزانه در حدود یک میلیون دلار نفت استخراج شده است.
 • منطقه نفتی کونیکو؛ پانصد هزار دلار روزانه، طی شش ماه.
 • منطقه نفتی جفره با منابع نفت و گاز؛ میانگین چهارصد هزار دلار سالانه.
 • سیلوی دانه و پنبه؛ عامر رفدان (والی داعش) در دیرالزور از جبهه النصره، تنها پنج میلیون دلار بهای پنبه دزدید.

• فروش وسایل شرکت‌های نفتی در داخل مناطق الشدادی و الجفره و «سری‌های الماس» به کاررفته در دستگاه‌های حفاری نفت، همچنین خود دستگاه‌های حفاری؛ بهای کلی این موارد حداقل ده میلیون دلار برآورد می‌شود.

• گرفتن فدیة از روزنامه‌نگاران خارجی و مسیحی؛ حتی از مسلمانی که سیگار می‌کشند و کسانی که فسق رفتاری دارند به عنوان تعزیرات فدیة می‌گیرند.

• معامله آثار باستانی سوریه با مافیای ترکیه که در موقع یورش به موزه نیک آنها را به دست آوردند.



۴. آینده داعش

گسترش و بقای داعش و قدرت این گروه در حفظ دستاوردهایش و آماده‌باش بعضی از حکومت‌ها و نیروهای مسلح تابع آنها، موجب تأمل جدی در خصوص قدرت داعش و امکان بقای آن و در ادامه، آینده آن گروه شده است. سؤال را باید به گونه دیگر مطرح کرد: چگونه داعش می‌تواند آنچه را که اکنون به دست آورده، در این شرایط حفظ کند؟ در این بخش می‌کوشیم پاسخ این سؤال را در خلال بیان زمینه‌های فکری و عملی گسترش داعش و زمینه‌های بین‌المللی گسترش داعش بیابیم.

الف) در سطح فکری می‌توان به بعضی از جوانبی که تصور می‌شود در بقا و رشد داعش نقش داشته باشد، اشاره کرد:

- داعش در راهبرد خود کوشید بر سیاست تکفیری-قطبی خود تکیه کند که مبتنی بر آرمان «حمایت اهل سنت عراق و شام» بود تا از طریق آن عواطف اهل سنت را تحریک کند و این آرمان قابل چانه‌زنی نبود. در همان حال داعش راهبردی سری را در پیش گرفت تا سازمان‌های جهادی رقیب را در جغرافیای حضور خود تصفیه کند.

- داعش قدرت خود در انتخاب دشمن (شیعیان) را نشان داد تا دشمنی خود را با روشی شرعی توجیه کند و از شیعه دشمنی دینی پدید آورد و از این مسئله در اهداف مختلف خود

استفاده کند. داعش با استفاده از نام شیعه، قتل، قصاص و عملیات تروریستی را توجیه کرد. اموال عمومی و خصوصی شیعیان را برای خود حلال اعلام کرد و در ترسیم استراتژی استان‌های سنی‌نشین بازنگری کرد تا بتواند آزادانه و با عنوان حمایت از هویت اهل سنت در مقابل امتداد محدود شیعه گسترش یابد.

- داعش به دو دیدگاه فکری منتسب به مکتب تکفیری تکیه کرد تا گروه‌های «عمری» کوچک را در راه افراط و اقدام به جنایت و پایندگی عناصر سازمان اقتاع کند. - عدم اختلاف ریشه‌ای با عقاید موجود اهل سنت باعث شد بخشی از این گروه‌ها بر جنایات داعش چشم‌پوشی کنند و بنا بر تعبیرشان شر داعش را کمتر از حکومت بپندارند. (ب) در سطح عملی، داعش توانایی‌هایی دارد که همراه با تحول آن و تسلط بر سرزمین‌ها دگرگون شده‌اند؛ در ادامه به مهم‌ترین این توانایی‌ها می‌پردازیم:

- دستیابی به تجهیزات و ذخایری که بیش از دو میلیارد دلار قیمت دارند و ارتقای توانایی‌های نظامی و به‌دست‌آوردن زرادخانه‌ای در عراق که می‌تواند چهار لشکر نظامی را مسلح کند.

- خودکفایی در امر بودجه. داعش بر بزرگ‌ترین مناطق نفتی در شمال و شرق سوریه و شمال و غرب عراق تسلط پیدا کرد؛ به طوری که درآمد روزانه داعش ۵,۳-۵,۴ میلیون دلار است؛ همچنین داعش به اموال بانک‌های عراقی و مخازن دارو و مواد غذایی دست یافت و در کار فروش و قاچاق اشیای باستانی و سلاح‌های ممنوعه وارد شد (علوش، ۲۰۱۵، ص ۱۶۴-۱۶۶).

- توانایی انسانی. داعش سیاست‌های ویژه جذب نیرو را در پیش گرفت و ارتش بزرگی از کاربران شبکه‌های اجتماعی را برای ترویج تفکر، جذب نیرو و پیگیری و انتشار افکار و اخبار داعش به کار گرفت (عطوان، ۲۰۱۵، ص ۲۰۲).

- به‌کارگیری روش‌های تازه. داعش با تکیه بر اصل هدفِ والا وسیله را توجیه می‌کند. از آن جمله وارد کردن زنان در کشاکش جنگ و به‌کارگیری روش‌ها و موقعیت‌های معینی توسط این زنان در اجرای عملیات و انجام مأموریت‌ها.

- بهره‌گیری از اوضاع سیاسی و وجود اختلافات عملی در بین نیروهای سیاسی در سمت عراق.

(ج) زمینه‌های بین‌المللی رشد و گسترش داعش: برخی از نویسندگان معتقدند که صدها متخصص تروریسم، رسانه و کارشناسان گروه‌های مسلح از اثبات «روابط سری بین

داعش و نظام سیاسی بین‌المللی چه به صورت رسمی و علنی و چه به صورت اطلاعاتی و سری» باز مانده‌اند (اله‌اشمی، ۲۰۱۵، ص ۲۰۹). شکی نیست که برای عدم اثبات این رابطه دلیلی است. دولت عراق می‌تواند یا شکایت بین‌المللی صورت دهد یا رابطه دیپلماتیک خود با دولت‌های پشتیبان داعش قطع کند. طبیعتاً دولت عراق گزینه‌هایی بیش از این در اختیار ندارد و نمی‌تواند عوامل اطلاعاتی خود را برای اجرای طرح‌های متقابل به حرکت وادارد. همچنین حکومت‌های عراق - به‌ویژه حکومت نخست وزیر کنونی «حیدر العبادی» - تلاش کرده است تا نقش دیپلماسی را پررنگ کند و بخشی از تحریم‌های عربی را بردارد؛ ولی قدرتی برای اتخاذ تدابیر قاطعانه در قبال دولت‌هایی که گمان می‌رود به حمایت از داعش می‌پردازند، ندارد.

د) یکی دیگر از مؤلفه‌های مهم، توجه به رابطه بعضی از افراد جنبش‌های سلفی و جهادی و حتی داعش با کشورهای خلیج فارس و جلب پشتیبانی آنهاست؛ از آن جمله:

- گروه‌های سنی (سلفی-خوانی) در سال ۲۰۰۶ توجه مردمی گسترده‌ای در خلیج فارس به دست آوردند؛ به‌ویژه بعد از حوادث انفجار مرقد امامین عسگریین در سامرا و پشتیبانی و تأیید دولت‌های عربی و به‌ویژه دولت‌های خلیج فارس در دو زمینه مردمی و اطلاعاتی، همکاری‌هایی انجام شد (مرکز مطالعات جنگ و اشنگتن، ۲۰۱۴).

- داعش بودجه خود را از طریق همکاری تاجران و سرمایه‌داران در خلیج فارس، آسیا و اروپایی - اسلامی در بخش غیردولتی تأمین می‌کند (کوکیرون، ۲۰۱۵، ص ۶۴)، همچنین گروه‌های کمک‌رسان اسلامی یا هر کسی که در این امور هستند، به داعش کمک می‌رسانند.

- به دلیل قدرت داعش در اجرای تهدیدات تروریستی و استفاده از زور برای تحمیل طرح‌هایش (در سایه دارایی‌های بالا) قدرت این گروه در مانور و تهدید سیاسی افزایش یافت و در نتیجه دولت‌های عربی خلیج فارس و دولت‌های اروپایی، در مقابل درخواست‌های داعش سکوت، همکاری یا تمکین کردند (اله‌اشمی، ۲۰۱۵، ص ۲۶۰).

- همچنین ویدیوهای بسیاری همزمان با گفته‌های قاسم سلیمانی (فرمانده قرارگاه قدس) منتشر شد که نشان می‌داد نیروهای آمریکایی به پشتیبانی از داعش در حین



عملیات ارتش عراق و «بسیج مردمی»^۱ در منطقه ضلوعیه پرداخته است (خبرگزاری «اون لاین»، ۲۰۱۴/۱۲/۲۹). به علاوه آمریکا متهم است که بعضی از مردان بسیج مردمی را با ارائه پشتیبانی اطلاعاتی به داعش پاکسازی کرده است. هادی العامری - فرمانده نیروهای بسیج مردمی و عضو پارلمان عراق - معتقد است آمریکایی‌ها نمی‌خواهند قاطعانه به پاکسازی داعش از عراق اقدام کنند و به نقش این گروه پایان دهند؛ بلکه نقش نیروهای بسیج مردمی و ارتش را تضعیف می‌کنند. وی معتقد است آمریکا از بازگشت صدها جنگجوی خارجی به کشورهايشان و تشکیل سازمان‌های تروریستی که آمریکا و اروپا را تهدید می‌کند، می‌ترسد؛ همچنین آمریکا می‌خواهد که ارتش و بسیج مردمی عراق و داعش دو طرف معادله ضعیف باقی بمانند تا عراق نقطه جذب افراطی‌های داعش باشد و آمریکا از این طریق و به دور از سرزمین‌هایش با داعش مقابله کند (هادی العامری، ۲۰۱۵/۱/۵).

نتیجه

دولت خلافت یا سازمان داعش به‌طور کلی همچون دیگر سازمان‌ها و جنبش‌های عقیدتی است که بر دو پایه اساسی تفکر و رفتار استوار است و اختلاف روش‌ها در مقابله با یکی از این دو پایه منجر به نتیجه مورد قبول نمی‌شود. در واقع هرگونه مقابله با داعش نیازمند اقدام متوازی است؛ چراکه تفکر این گروه را نمی‌توان با ادوات جنگی مهار کرد و ابزار جنگی داعش به‌تنهایی با فکر قابل مقابله نیست.

روند روبه‌رشد تحركات افراط‌گرایانه و خشونت‌بار و بهره‌گیری از ابزارهایی نظیر تروریسم، پاک‌سازی قومی، نسل‌کشی، آشوب‌ها و جنگ‌های چریکی توسط کنشگران مختلف از یک سو و آثار به مراتب زیانبار آنها به دلیل ویژگی عدم تقارن و پیش‌بینی‌ناپذیری در کاربست تاکتیک‌ها از سوی دیگر باعث شده است محافل سیاست‌گذاری و علمی به دنبال چاره‌اندیشی برای تقابل باشند. افراط‌گرایی و خشونت سیاسی پدیده پیچیده‌ای است که نمی‌توان آن را صرفاً بر اساس یک عامل مشخص درک کرد و برای ارائه توضیحی قانع‌کننده از این پدیده باید رهیافتی چند عاملی را در نظر

۱. بسیج مردمی در عراق معروف به «حشد شعبی» است.

گرفت؛ رهیافتی که بتواند متغیرهای سه سطح فردی، ساختاری و محیطی (داخلی و بین‌المللی) را در نظر بگیرد.

بنابراین باید تلاش کرد برای درک رفتار افراد، نحوه شکل‌گیری و عملکرد سازمان‌های تروریستی و بررسی عوامل محیطی تعیین‌کننده و تسهیل‌کننده گرایش به خشونت و افراط‌گرایی سیاسی از چشم‌اندازهای نظری گوناگونی بهره گرفت. در سطح فردی عواملی نظیر منفعت‌جویی، احساس هویت‌یابی با گروه‌های تروریستی، باورهای فرد و همگرایی ایدئولوژیک با گروه‌های تروریست، نقص در فرایندهای اجتماعی‌شدن، تجارب زندگی مشقت‌بار و احساس نارضایتی از زندگی و توانایی تصور گزینه‌های دیگر نقش دارند. در سطح ساختاری و محیطی عواملی نظیر نبود دموکراسی و آزادی‌های مدنی، عدم حاکمیت قانون، نابرابری شدید طبقاتی، ضعف در ساختارهای قدرت، نوسازی سریع، گسترش ایدئولوژی‌های افراطی، جنگ‌های داخلی، انقلاب، سازمان‌های بین‌المللی، بازیگران خارجی، ناکامی دولت‌ها در جذب نیروهای اجتماعی و رویدادهای تحریک‌کننده نظیر بحران‌های اقتصادی می‌توانند در بروز خشونت و افراط‌گرایی سیاسی نقش‌آفرینی کنند.



کتابنامه

- ابراهیم نژاد، محمد؛ داعش: دولت اسلامی عراق و شام؛ قم: انتشارات دارالاعلام لمدرسه اهل البيت (علیهم السلام)، ۱۳۹۳.
- اسدی، آرش، مدیریت توحش، مجله نافه، تهران: ۱۳۹۳.
- الهاشمی، هشام، عالم داعش، لندن: دارالحکمه، ۲۰۱۵م.
- باتریک کوکبیرن، داعش: عوده الجهادیین، بیروت: نشر الساقی، ۲۰۱۵م.
- البکری، عبدالرحمن، داعش ومستقبل العالم، المان: دارالغرباء، ۲۰۱۵م.
- خلیفه، حسین علی، «اداره التوحش لتنظيم الدولة الاسلاميه في العراق والشام وخطورته على الامن الوطني العراقي»، مجله قضايا سياسيه، عدد ۱۲، بغداد: جامعه النهريين، ۲۰۱۴م.
- الريحاني، أمين، تاريخ نجد الحديث و ملحقاته، بيروت: دارالصادر، ۱۹۲۳م.
- عطوان، عبدالباري، الدولة الاسلاميه: الجذور.. التوحش... المستقبل، بيروت: دارالساقی، ۲۰۱۵م.
- علوش، محمد، داعش واخواتها، بيروت: نشر رياض الرئيس، ۲۰۱۵م.
- غليون، برهان، «حيث تنحسر الثقافة يتفجر العنف»، مجله قضايا اسلاميه معاصره، عدد ۳۷-۳۸، بغداد: مركز دراسات فلسفه الدين، ۲۰۰۸م.
- گفتگوی عبدالعظیم السیمری با هادی العامری - فرماندهی بسیج مردمی عراق، در ۲۰۱۵/۱/۵.
- مركز مطالعات جنگ و اشنگتن، «عصيان سني در عراق از دولت خلافت سني»، روزنامه العالم، مورخ ۱۷ نوامبر (نوامبر)، ۲۰۱۴م.
- مناع، هیثم، خلافة داعش، کوبنهاغن: المؤسسة العربيه الاوربيه للنشر، ۲۰۱۵م.
- ناجی، ابوبکر، اداره التوحش، سوریه: دار تمرد، ۲۰۱۵م.
- نافع، بشیر موسی، الظاهره السلفیه: التعدديه التنظيميه والسياسات، بیروت: الدارالعربيه للعلوم، ۲۰۱۴م.
- Conteh-Morgan, Earl, *Collective Political Violence: An Introduction to the Theories and Cases of Violent Conflicts*, Taylor & Francis Routledge, 2004.

- *Dabiq*, Dhul-hijja, No 4, 1435.
- Gambhir, Harleen K, DABIq: The Strategic Messaging of the Islamic State, ISW: Institute for the Study of War, august 15: 8, 2014.
- Halliday, F. ,*Two Hours that Shook the World: September 11th, 2001: Causes and Consequences*, London: Saqui Books, 2002.
- Katona, Peter, THE HISTORICAL IMPACT OF TERRORISM, EPIDEMICS AND WEAPONS OF MASS DESTRUCTION, 2007.

- Official Spokesman for the Islamic State, "INDEED YOUR LORD IS EVER WATCHFUL", *Dabiq*, Dhul-hijja No 4, 1435.
- Stone, Dan , "Genocide as Transgression", *European Journal of Social Theory* 7(1): 45-65
- بحران سوریه، آخرین دسترسی: ۱۳۹۴/۱/۱۲ در:
<http://www.farhangnews.ir/content/62698>
- آمار غیررسمی نهادهای امنیتی کشور عراق اعلام کرده که حدود بیست هزار نیروی خارجی داعش از نود کشور مختلف وارد خاک عراق شده‌اند. صالح حمدانی، چگونه افراد داعشی می‌شوند، روزنامه‌المدی، مورخ ۱۷ فبرایر ۲۰۱۵.
- Diemen,renée van "Politics and Religion in Saudi Arabia", <https://www.google.com/search>.
- خبرگزاری "اون لاین" در ۲۹/۱۲/۲۰۱۴.
- Diemen,renée van "*Politics and Religion in Saudi Arabia*", www.lboro.ac.uk/.../11EUC664%20essay%20-... Last visited: 3/5/2012.

